

باید کوشید. طلا و نقره کار ساز نیست

گویند مرحوم ملاً محمد صالح مازندرانی در دوران طلبگی از شدت کهنگی لباس در مجلس درس حاضر نمی‌شد؛ بلکه بیرون مدرسه در گوشه‌ای می‌نشست و صدای مُدرس را می‌شنید. از طرف دیگر به علت فقر، تهیه و تدارک کاغذ مقدورش نبود و مطالب را بر روی استخوان و چوب و برگ چنار می‌نوشت؛ غالباً شب‌ها از بی‌روغنی، نور کافی نداشت، اما دود چراغ می‌خورد و دم نمی‌آورد.

با این وجود مقام علمی او در حل مشکلات و معضلات درس و بحث به جایی رسیده بود که استادش، علامه محمدتقی مجلسی رضوان الله علیه را به حیرت وا داشت.^۱

تن به دود چراغ و بی‌خوابی ننهادی! هنر کجا یابی؟^۲

کس به آسایش تن فاضل و فرزانه نشد مرد فرزانه و فاضل به بسی رنج شود

۱. گوهر وقت. مطلبی، سید حسن. ص ۱۹ نشر سازمان تبلیغات - ۱۳۸۰

۲. اوحدی